

معجزه تحول انسان در گذر اوقات

اگر پرسیده شود که دستاوردهای انقلاب اسلامی چه بوده است؟ شاید بسیاری اذهان متوجه راه اوردهای مادی انقلاب در زمینه های اقتصادی و اجتماعی بشوند.

و شاید برای آنانکه جهان را با عنک مادیات می نگرند. این انقلاب دستاورد چندان چشمگیری نداشته است؛ اما از دیدگاه امام و انسانهای مسلمان مسئله ابعاد دیگری دارد. ابعادی که شاید مادیات و مظاهر ظاهری را دران جانی نیست.

بزرگترین ره آورد انقلاب اسلامی از این دیدگاه «معجزه تحول انسان است» معجزه ای که بهمت آن مردم ما به اندازه قرنها و قرنها پیش رفتند و رشد کردند.

معجزه ای که در کوره گدازان آن بسیاری انسانها فوب شدند و زنگار وجودشان رنگ تعلقات مادی را از خود زدود. و انسانیتی نوین ظهور کرد. انقلاب ما، انقلابی در ارزشها بود. انقلابی که تمام ضد ارزشهای گذشته را در تنبید خویش درهم نوردید و ارزشهای نوین خلق کرد. ارزشهایی که شاید فهم آن برای عقلمای قاصر بشریت امروز خیلی زود است.

روی آورد، و از فرهنگ شروع شده و به فرهنگ ختم شده است بنابراین جهت اساسی این انقلاب دگرگون کردن وضع قبلی جامعه بود بطوری که آن ارزشهای مورد توجه در قبل از انقلاب کنار زده شد و ارزشهایی که مورد توجه نبوده، در جریان گذاشته شده است. قبل از انقلاب میزان درآمد مسئله بود، وضع مسکن، لباس و... ارزش داشت اما امروز وقتی یک فردی بخواهد ارزیابی شود و در یک

مادر وقتی فرزندش را از دست میدهد اول میگوید... اکبر، یعنی اگر پسر از دستم رفت، خدا از دستم نرفت، اعتقادم به خدا هست.

خانواده انقلابی راه پیدا کند سوال از درآمدش، از منزلت، از منصب و مقامش نمی کنند بلکه سوال از خطش می کنند که چه خطی دارد، خط امامی است یا نه، حزب الهی است یا نیست و اگر همه چیز دانسته باشد و بهترین فرش، مسکن، منزل و عالیترین درآمد را هم داشته باشد اما خطش، خط اسلام اصیل

جهت اساسی این انقلاب دگرگون کردن وضع قبلی جامعه بود بطوری که آن ارزشهای مورد توجه در قبل از انقلاب کنار زده شد و ارزشهایی که مورد توجه نبود، در جریان گذاشته شد.

در این زمینه با حجت الاسلام حائری شیرازی، معلم اخلاق به گفتگو نشستیم تا حدیث تحول انسان در گذر انقلاب را از زبان ایشان بشنویم. در پایان این گفتگو حجت الاسلام حائری به نقش جهاد سازندگی از همین دیدگاه به بحث نشسته اند که با هم میخوانیم:

س - در مورد دستاوردهای فرهنگی انقلاب در این مدت سه سال برای ما توضیحاتی بفرمائید.

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین
این انقلاب از فرهنگ برخاسته و به فرهنگ

س - لطفا بفرمائید که اثر انقلاب در ایجاد روحیه ایثارگری و شهادت طلبی و در یک کلام عشق و ایمان به اسلام در بین ملت ما تا چه حد بوده است؟

- وقتی در قبل از انقلاب یک شهید برای ما پیش میزد که البته یک عده محدودی هم شهید می شدند، جامعه ما اینجور نبود که از ابتدای امر به همدیگر تریک بگویند چه بسا از قبل از سالهای سی و یا بعد از آن در سنه ۳۵۳۶ که هنوز این انقلاب اسلامی شکوفانی خود را پیدا نکرده بود، به زندان رفتن و کشته دادن و ایثار، به دید عرف جامعه ما، یک عار و تنگ تلقی میشد و به همین جهت از اینکه درگیری پیش بیاید و کسی زندان برود، احتراز میشد. اما وقتی صحبتهای امام کم کم در دلها نفوذ کرد و زمینه دگرگون سازی پیشش ها را فراهم آورد بتدریج آنچه را که مردم از آن احتراز می کردند و منفی تلقی می کردند، آنرا مثبت دانستند، مفید دانستند و استقبال کردند و البته جمع انهایی

که این مسائل را در بعد از ۱۵ خرداد مثبت می دانستند نسبت به آن کسانی که بعد از سال ۱۳۵۷ این جنس می اندیشیدند جمع کثیری نبود از این جهت میتوان گفت که آن عده ای که در ۱۵ خرداد که کشته شدن و ایثار را بعنوان بهترین ارزش نگاه میکردند در جامعه ما رخنه کردند. نفوذ کردند و عده کثیری از جامعه ما را از سال ۵۴ و ۵۵ تا ۵۷ به این حالت و این روحیه در آوردند تا آن حد نصاب لازم برای مبارزه پیگیر و مستمر و مداوم، بدست آمده و آن شدت و توفندگی انقلاب که از سال ۵۶ تا ۵۷ انجام شد در نتیجه به حساب و قوام آمدن آن روحیه ایثارگرا نه بود.

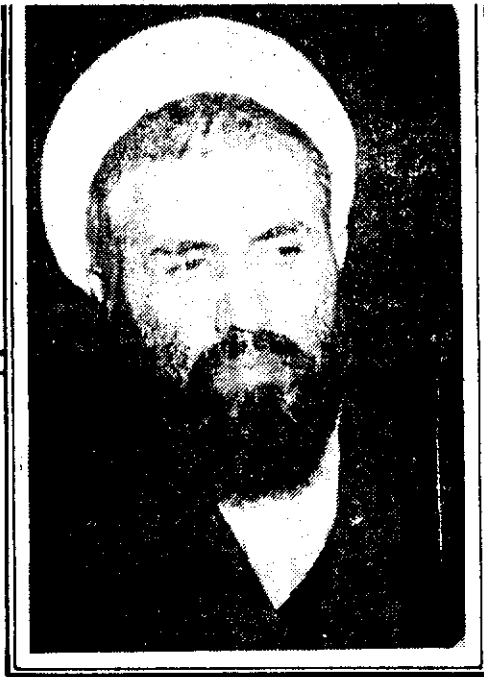
س: همانطور که مستحضرید امام بارها در صحبتهایشان بر نقش... اکبر تاکید کردند و فرمودند مملکت ما مملکت... اکبر است و یا کشور ما... اکبر تکیه دارد. لطفا در این مورد توضیحاتی بفرمائید.

- وقتی انسان می گوید... اکبر، یعنی اینکه هر اندازه که... فکر که... حسی را برایش ارزش

نباشد او را می پذیرند و به جمع خودشان راه نمیدهند. اما اگر هیچ نداشته باشد و در عوض خطش صحیح باشد با احترام او را می پذیرند و با او مثل یک عضو اصیل خانواده اش برخورد می کنند و این تحول بزرگی است که در نتیجه انقلاب ما برای جامعه پیدا شده است و ما اثرش را در جاهای مختلف

می بینیم، در اداره هم آن فردی که خطش اصیلتر است محترم تر است هر چند مدرکش ضعیف باشد و آنکه خطش، خط صحیحی نیست کنار زده می شود هر چند از نظر مدرک و تخصص در سطح عالی باشد و حتی درجه ها هم هر کس که عشق به شهادت در او قویتر است فرصت فعالیت و کسب افتخار برای او بیشتر است

باسلامی



قتل باشم، ارزش خدا از آن بیشتر است و بیشتر از آن است که من بتوانم آن ارزش را توصیف کنم و تعیین کنم.

انسانها چرا به یک سلسله ارزشهایی که او را اسیر می کند، پایش را در خون می کند و دستش را در دستبند قرار میدهد، دل می بندد. برای اینکه ارزشهای بزرگتر از این ارزش را سراغ دارد فرد وقتی میگوید... اکبر، یعنی من به ارزشی که از تمامی ارزشها بیشتر است، آشنا شدم این است که دستش را از دستبند این ارزشهای قبلی پیاده می کند. پایش را از گندی که به خاطر این تعلقات و بخاطر این اعتقادات در بند بود، بیرون می کشد در نتیجه دستش برای فعالیت در راه خدا باز می شود پایش برای سیرانی... باز می شود و از این جهت بدون واژه در راه خدا حرکت می کند. ایثار می کند، گذشت می کند، اقدام می کند و نتیجه می گیرد و پیروز می شود. امام وقتی میگوید کشور ما کشور... اکبر است یعنی در نظر معمول کشور ما و غالب افراد این جامعه، چیزی بالاتر از خداوند متعال نیست و برای راه خدا دست از هر ارزشی می کشد و برای راه خدا عزیزترین چیزها را فدا می کند و وقتی که تمام ناملایمات را تحمل کرد میگوید... اکبر یعنی من اگر چیزی را از دست دادم، بزرگترش را بدست آوردم که خداست. مادر وقتی که فرزندش را از دست میدهد اول میگوید... اکبر، یعنی اگر پسر از دستم رفت اما خدا از دستم نرفت، اعتقاد به خدا هست ارتباط با خدا هست این همان معنایی است که وقتی علی علیه السلام رحلت فرموده بودند و به

جبران می کند یعنی فرد بگوید اگر علی (ع) نیست ارتباط با خدا که هست و اگر او را نمی بینم و دستم به او نمی رسد، مواظب باشم که رابطه ام را با خدا از دست ندم و چون این شهادت در راه خدا و برای خدا انجام گرفته است، خداوند جانی هر خالی ای را پر می

وقتی انسان می گوید... اکبر، یعنی

اینکه هر اندازه که من فکر کنم و هر چیزی را برایش ارزش قائل باشم، ارزش خدا از آن بیشتر است.

کند و این شهدای ما که پیش ما بسیار عزیزند اما ملت ما همیشه می گوید چون این رابطه ما با خدا در نتیجه این شهادت حفظ شده، ما پیدا شده ای داریم که جبران هر گمشده ای را می کند و پیدا شده ما این است که با خدا پیوند کردیم و با خدا رابطه داریم.

آن عده ای که در ۱۵ خرداد به کشته شدن و ایثار بعنوان بهترین ارزش نگاه می کردند در جامعه ما نفوذ کردند وعده کثیری از جامعه ما را به این روحیه درآوردند.

شهادت رسیده بودند فردی پشت خانه اهل بیت عسی (ع) آمد و به آنها سلام کرد و گفت

آن فی... درک من کل فاقده و جیرا من کل فانت خدا تدارک هر گم شده و جیرا هر فوت شده ای است یعنی با اینکه علی (ع) بی نظیر است. با اینکه شبیه ندارد، با اینکه انسان نمی تواند وقتی او را از دست میدهد خود را به چیزی دلخوش کند، دلگرم کند و تسلی بدهد باید توجه داشت که خدا این گم شده را

س: همانطور که حتما در جریان هستید دوهفته قبل سمینار جهاد سازندگی برگزار شد خواهش می کنیم رهنمودهایی در مورد نحوه کارکرد جهاد و اینکه این ارگان تا چه حد باید در جمهوری اسلامی نقش داشته باشد و کلا اهمیت جهاد سازندگی در انقلاب را بیان بفرمائید.

- این جهاد سازندگی نشان دهنده بعد انسانی این انقلاب است بطوری که هر جا جهاد سازندگی موفق شده خوب عمل کند در آنجا ارتباط روستاها با این انقلاب بیشتر شده است و روستاها صمیمیت انقلاب را نسبت به خود در عمل جهاد سازندگی می بینند و روستاها به دلیل عملکرد جهاد سازندگی است که بچه های خودشان را اینجور در طبق اخلاص می گذارند و به جبهه ها می فرستند و الان آن عملی که جهاد سازندگی در روستاها انجام داده بصورت بنری بوده که پاشیده و ثمره آن این جوانهایی هستند که در جبهه ها درو می شوند و اگر این جوانان روستایی که در جبهه ها هستند این چنین نجات دهند وضع جنگ به این صورت نبود حتی این جهاد سازندگی در جبهه و پشت جبهه هم نقش بسیار ارزنده و حساسی را دارد چهره های بسیار ارزشمند جهاد مثل شهید شهشانی که برای شکستن محاصره آبادان راه ماهشهر به آبادان را ابداع کرد و همچنین برای جبهه های سوسنگرد، کارخانه یخی را که از بین رفته بود برپا کرد بطوری که یخ آنرا در تابستان به سراسر جبهه ها می فرستادند و بوسیله همان یخ بود که بچه ها می توانستند در آن گرمای تابستان فعالیت کنند و به کار ادامه دهند و وقتی انسان اینها را می بیند ایمان میآورد که این انقلاب یک انقلاب خدایی است وقتی می بیند که یک فرد تا این اندازه در سرنوشت جنگ مؤثر است به این نتیجه می رسد که این انسانهای عزیز، گورهای گرانبهائی بودند که در ته معدنها می پوسیدند اما امام این گورها را استخراج کرد و به آنها فرصت ظهور داد، اگر امام نبود شهشانی یک فرد عادی بود اما امام با آن حرکتی که خداوند متعال بوسیله او در این جامعه ایجاد کرد این فرد عادی را تبدیل به یک عنصر تاریخی و تاریخساز کرد که وقتی انسان مطالعه زندگی او، حرکت او، اعمال او و توفیق او را می کند، غیظه نمی خورد که انسانی که می تواند این چنین باشد چرا این چنین نباشد و جهاد سازندگی فرصت نمود و ظهوری برای انسانها بود که بتوانند انسانیت خودشان را ظاهر کنند و جهاد از این نظر مورد تأیید و تشویق است، که ابزار خودسازی بود، ابزار ظهور و بروز بود. ابزار طلوع انسانیت بود و می توان این قسمت را از بزرگترین بخش جهاد و سهم جهاد در انقلاب دانست، امیدوارم که موفق باشید والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.